

## تاثیر آموزش معلمان زن در یادگیری دانش آموزان مقطع ابتدایی

سکینه عباسی<sup>۱</sup>، معصومه نوروزی<sup>۲</sup>، فاطمه غلامی فرد<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی رشته روانشناسی، دانشگاه پیام نور زنجان، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی رشته روانشناسی دانشگاه پیام نور زنجان، ایران

۳. دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

آموزش و پرورش نقش مهمی در تعلیم و تربیت دانش آموزان بر عهده دارد. در این میان نقش معلمان از بقیه کارکنان پررنگ تر است. چرا که به صورت مستقیم با کودکان و نوجوانان در ارتباط هستند. جهت ارتقاء بهتر یادگیری در دوره ابتدایی معلمان زن کارآمدترند. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف مطالعه تاثیر آموزش و تدریس معلمان زن در یادگیری دانش آموزان مقطع ابتدایی انجام گرفت. روش پژوهش حاضر از نوع مطالعه مروری است. مطالب جمع آوری شده برگرفته از سایت های پژوهشی اعم از مگایران [www.magiran.com](http://www.magiran.com) سیویلیکا [www.civilica.com](http://www.civilica.com) گوگل اسکالر [www.scholar.google.com](http://www.scholar.google.com) پروتال جامع علوم انسانی [www.ensani.ir](http://www.ensani.ir) پایگاه اس آی دی پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی بود. بر اساس پژوهش های انجام شده مطالعات نشان دادند که معلمان زن در یادگیری بهتر دانش آموزان مقطع ابتدایی دختر یا پسر موثر بوده اند؛ همچنین باعث برقراری ارتباط بهتر عاطفی با کودکان و سبب رشد و ارتقای عاطفی و حل مسائل عاطفی کودکان شدند. لذا بهتر است در مدارس ابتدایی از معلمان زن بهره برده شود تا سبب یادگیری بهتر و رشد عاطفی و حل مسائل عاطفی کودکان شوند.

کلیدواژه ها : یادگیری، معلمان، دانش آموزان ، عاطفی

## مقدمه

آموزش، فعالیتی هدفدار است و هدفش، ایجاد فرصت ها و موقعیت هایی است که بحث یادگیری در یک نظام تربیتی را اسان سازد. پس می توان گفت: آموزش وسیله ای برای تربیت است نه خود تربیت (سیف، ۱۳۸۶، ص ۳۸). آموزش اشاره به فرایند تعامل بین شاگرد و منابع یادگیری او دارد، به عبارتی آموزش مفهومی است، شامل آموختن به کسی، آموختن از کسی و آموختن از چیزی است (پاکپور، ۱۳۹۰، ص ۲۳). تدریس یکی از شکل های آموزش و یک تعامل دو طرفه بین استاد و یادگیرنده است. معلم، یادگیرنده را با محتوای درس درگیر کرده و بدین وسیله ارزش های نوینی را خلق می کند. در این فعل و انفعال دوجانبه، ویژگی ها و رفتار معلم بر فعالیت و اعمال شاگردان تاثیر می گذارد و بالعکس استاد نیز از ویژگی ها و رفتارهای شاگردان تاثیر می پذیرد (هاشم پور و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۱). یادگیری اساس رفتار آدمی را تشکیل می دهد. یادگیری های غیر مستقیم، ضمنی و یا مشاهده ای، پایدارترین و موثرترین یادگیری ها به حساب می آیند. در فرایند شکل گیری شخصیت کودکان بیشترین نقش به الگوهای رفتاری اختصاص دارد. بنابراین هر قدر الگوهای رفتاری در نزد کودکان از شخصیت محبوب تری برخوردار باشند رفتارهای کلامی و غیر کلامی آنها بیشتر مورد توجه قرار می گیرد. در مقطع ابتدایی چون کودکان برای اولین بار از خانواده خود دور می شوند وجود معلم زن چه برای دختران چه پسران در مدارس ابتدایی می تواند خلا وجود مادر را جبران کند و باعث ایجاد علاقه و انگیزه در افراد برای حضور در مدرسه و دوری از خانواده شود. همچنین از افت عاطفی کودک جلوگیری نماید. تحقیقات روانشناسی نشان می دهد که زنان در مقایسه با مردان به میزان بیشتری به درجه ای از صبر و خویشتن داری در برخورد با کودکان رسیده اند. به نظر می رسد میان نقش جنسیتی معلمان زن و علاقه به یادگیری همه دانش آموزان به خصوص پسر، رابطه معناداری وجود دارد. (مظفری نژاد و همکاران، ۱۴۰۱). براساس مطالعات انجام شده در زمینه های آموزشی و یادگیری، دانش آموزان پسر یا دختر در مقطع ابتدایی بخصوص در دوره اول، به علت برقراری رابطه عاطفی تر با معلم زن، نتایج بهتری نشان داده اند. پژوهشگر در صدد است ارتباط عاطفی در یادگیری و آموزش دانش آموزان مقطع ابتدایی با معلمان زن را بررسی کند.

## روش پژوهش:

روش پژوهش حاضر از نوع مطالعه مروری کتابخانه ای است. مطالب جمع آوری شده از مقالات علمی برگرفته از سایتهای علمی پژوهشی مثل مگ ایران، ایرانداک، پورتال علوم انسانی، ساینس دایرکت، گوگل اسکالر و اس ای دی می باشد. کلیدواژه هایی مثل: تدریس معلمان زن، ارتباط عاطفی با دانش آموزان مقطع ابتدایی، عوامل موثر بر آموزش و یادگیری، عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد جستجو قرار گرفتند.

## شناخت ویژگی های دانش آموزان:

شناخت ویژگی های کودکان، نوجوانان و جوانان و تفاوت آنان در سنین مختلف رشد و دوره های مختلف تحصیلی، از مهمترین وظایف معلمان و سایر کارکنان مدارس است. این شناخت سبب داشتن تعاملی مناسب با دانش آموز و

در نتیجه موفقیت در یادگیری را به دنبال خواهد داشت. در این میان شناخت دوره دبستان مهمتر از بقیه دوره هاست. کودکان از نظر جسمانی و شناختی، عاطفی و روانی، هیجانی و اجتماعی ویژگیهای مخصوص به خود دارند.

ویژگی های شناختی:

ویژگی های شناختی کودک در این دوره عبارتند از: دقت در جزئیات، کنجکاوی و علاقه به یادگیری، دوری از تخیلات و نزدیکی به واقعیات، افزایش دایره لغات و علاقه به برقراری ارتباط کلامی با دیگران، توانایی برنامه ریزی، توانایی حفظ قران، اشعار و یادگیری زبان دوم از ۹ سالگی و ... معلمان با شناخت این ویژگی ها می توانند به نحو احسن از آنها بهره برداری کنند.

ویژگیهای عاطفی و روانی:

کودک در دوره دبستان، به خصوص در دوره اول (اول تا سوم)، دستورات و برنامه های معلم و والدین را می پذیرد. آداب زندگی و معاشرت را از آنها می آموزد و از اطرافیان تقلید می کند. البته این روحیه ی اطاعت پذیری از ۱۲ سالگی با نوعی خودمحموری آمیخته می گردد. شکست و ناکامی در انجام وظایف، برآورده نشدن نیازها، تخلیه نشدن هیجان در بازیها، منع شدن از بازی، مهاجرت یا تغییر محل سکونت و تغییر محل مدرسه، مسائلی هستند که میتوانند اشفتگی کودک را به دنبال داشته باشند.

کودکان این دوره به تایید دوستان و معلم نیاز دارند. اگر در کلاس این نیاز کودکان برای ابراز وجود مثبت، مورد توجه واقع شود دیگر نیازی به رفتارهای معارض با مقررات کلاس پیش نخواهد آمد. دانش آموزان در این دوره علاقمندند که معلم خود را با انجام مسئولیتی خشنود کنند. واگذاری کارهای نوبتی ساده به آنها، فرصتی برای تقویت حس مسئولیت پذیری و تایید آنهاست. حالات هیجانی، خشم، ترس، خوشحالی در ابتدای دوره اطاعت دوام ندارد.

کودک ۷ تا ۸ ساله اشیا مورد علاقه اش را بزرگتر نقاشی می کند، او نمی تواند از بروز این تمایلش خودداری کند در حالی که در اواخر این سنین نوعی خودداری از عواطف مشاهده می شود که نمونه ای از بروز اراده است. یعنی از این پس ترس ها و خشم ها می توانند به شکل لفظی تجلی یابند در حالی که پیشتر از این به شکل حرکتی به نمایش درمی آمدند. کودک در نقاشی های جمعی معمولاً اشخاصی را که دوست دارد نزدیک خودش، و اشخاصی را که دوست ندارد دورتر به خود می کشد یا حذف می کند.

ویژگی های اجتماعی:

کودکان در این سن دائم در حال جنب و جوش و علاقه مند به صحبت کردن است و دوست دارد که حوادث را تعریف کند. او گاهی در برابر سوالات معلم بدون توجه به درستی یا غلطی جواب، جملاتی را بیان می کند. دانش آموزان ابتدایی برای شرکت در بازی های گروهی علاوه بر علاقه، دارای زبان مشترک نیز هستند. بدین جهت به

مرور از فردی تنها به انسانی اجتماعی تبدیل خواهد شد. معلمان نیز باید به این موضوع توجه داشته باشند و فعالیت جمعی را برای دانش آموزان برنامه ریزی کنند. کودکان در این سن از افراد مورد پسند خود مثل والدین، معلم و حتی شخصیت های کارتون الگو می گیرند و شخصیت اجتماعی خود را شکل می سازند. آنها در این دوران دوستان خود را انتخاب می کنند و احتمالاً یک دوست صمیمی دارند. البته معلمان باید مراقب دانش آموزانی که در دوستیابی مشکل دارند نیز باشند. کودک با همسالان روابط دوستی برقرار می کند و در عین حال با آنها رقابت می کند، با بزرگسالان دیگر (معلمان و مربیان) روابط اجتماعی برقرار می کند و ارزش های اخلاقی را از آنها فرا می گیرد و گاه نیز دچار تعارض های اخلاقی میان خانواده و محیط اجتماعی می شود.

چون در این دوره آنها مشتاق رقابت هستند، معلمان می توانند مفاهیم آموزشی را در قالب بازی و رقابت سالم به شاگردان منتقل و در آنها ایجاد انگیزه نمایند.

همسالان همانند معلمان نقش بسیار موثری در رشد اجتماعی کودک دارند. به این طریق کودک تصویر روشنی از توانایی ها، مهارت ها و نقاط قوت و ضعف خود به دست می آورد و می تواند توانایی هایش را به آزمایش گذارد و با تایید و تقویت آنها به خویش پنداری مثبت نسبت به خود دست یابد. در سال های اول این دوره، اگرچه کودک خود را در مرکز عالم می بیند و هر چیز را برای خود می خواهد اما برای خود شخصیتی مستقل قایل نیست. از ۱۲ (الی ۱۳) سالگی، عدم اتکا به دیگران به هنگام حل مشکلات به خوبی در وی دیده می شود. کودک سعی می کند به عنوان یک فرد در مقابل سایر افراد مطرح شود که این تشخیص طلبی او را نشان می دهد. مفاهیمی چون عدالت و انصاف او را جذب کرده و نسبت به آنها شدیداً عاطفه نشان می دهد.

تربیت جنسی از این سنین آغاز می شود. کودکان در این دوره، سوالاتی در مورد بلوغ و مسایل جنسی دارند که بهتر است با حوصله و دقت و ظرافت خاصی به سوالات او پاسخ داده و نیز باید از پاسخ های تحریک کننده خودداری نمود. همچنین باید با حوصله، نرمی و لطافت خاصی به سوالات کودک پاسخ داده شود تا مجبور به ایجاد ارتباط سوالی با افراد غیر مسئول نشوند.

#### تفاوت های روانی و جسمانی دانش آموزان:

در یک کلاس دانش آموزان شباهت ها و تفاوت های زیادی با هم دارند. مشترکاتی از قبیل سن، جنس، زبان، جامعه و ... تفاوت های زیادی از نظر روانی و جسمانی هم با یکدیگر دارند. این تفاوت ها در سه نوع از شاگردان جلب توجه می کند.

#### گروه اول

در بین شاگردان یک کلاس عده ای هستند که باصطلاح افراد بدون دردسر نامیده می شوند. که درس خوان و وقت شناس و بی آزار هستند، دوستان محدود و مانند خودشان دارند، سر بیزیرند و حتی چندان سوال نمی پرسند اما تکالیفشان را انجام می دهند. برای امتحان دلشوره زیادی دارند و هیچ رقابت قابل ملاحظه ای بین آنها دیده نمی شود. در هیچ گروهی عضو نمی شوند، چون فکر می کنند چیزی برای عرضه ندارند. آنها اوقات فراغت را درس می خوانند تا عقب ماندگی که رغم خود دارند، جبران کنند

گروه دوم افرادی هستند بسیار پر جنب و جوش و کمی هم خودخواه و خود مرکزین ، هنگام ورود به کلاس سر و صدا راه می اندازند. تا معلم آماده درس گفتن بشود و یک دور کتابشان را دید می زنند و در طول درس معلم را یاری می دهند تا نشان دهند که پیش از او مطالعه کرده اند. نمرات متوسط است، اما هوشیار و زیرک هستند. غیر از کتاب های مدرسه به خواندن جملات و داستان ها علاقه نشان می دهند.

آنها به نمرات شاگردان آرام و درس خواندن حسادت می کنند و البته به نوعی معتقدند که آنها درس نمی خوانند بلکه همه چیز را حفظ می کنند. به نظر افراد این گروه سواد داشتن فقط حفظ کردن مطالب کتاب های درسی نیست. این افراد اهل ریسک کردن هستند. دوستان بسیار زیادی دارند چرا که جسور و سر زبان دار هستند و بچه ها چنین افرادی را دوست دارند. آنها حتی ممکن است برای جذب دوستان بیشتر سر جلسه امتحان افراد ضعیف را بوسیله تقلب یاری دهند.

آنها دوست دارند نماینده کلاس بشوند، به هر بهانه ای وارد دفتر مدرسه می شوند، تخته را قبل از معلم پاک کرده و در ردیف های اول می نشینند. گاهی به تقلید از بزرگترها اخبار هم گوش می کنند. آنها همیشه از لحاظ سر و وضع آراسته ، تمیز و مرتب هستند. در گروه های نمایشی و سرود شرکت می کنند و دوست دارند قبل از همه انشائشان را بخوانند. حتی موقع معمولی صحبت کردن هم صدایشان بلند است. تعداد این افراد در کلاس زیاد نیست.

#### گروه سوم

عده سوم درست برخلاف عده اول می باشند. بنابراین ترجیحا آنها را افراد پر دردسر می نامیم. ردیف های آخر کلاس با چنین افرادی آشناست. آنها دوستان بخصوصی دارند، دوستانی که برخلاف مقررات مدرسه لباس می پوشند و وضع و ظاهر خود را درست می کنند. ظاهرا کلاس درس ، معلم و نمره برای این افراد اهمیتی ندارد. آنها موضع قدرت خود را جای دیگری یافته اند. درس خواندن آنها اجباری است که از سوی والدین و شاید هم اجتماع بر آنها تحمیل شده است. مردود شدن و تجدید شدن نه تنها برای آنها سهمناک نیست، بلکه خیلی عادی می نماید.

آنها به عنوان افرادی ناهنجار شناخته می شوند و این ، رفته رفته برای خود آنان نیز قابل قبول می شود. بنابراین به پرخاشگری و آزار و اذیت همکلاسی ها و هم مدرسه ای های خود می پردازند و به این ترتیب همیشه عده ای از آنها

شاکی می باشند. با این حساب ترک تحصیل، فرار از مدرسه، گرایش به گروه های نامناسب، بی بند و باری و... در بین این افراد به وفور یافت می شود.

### تفاوت های فردی در قالب تفاوت های جسمانی دانش آموزان

※ قدرت تکلم: قدرت تکلم در همه افراد یکسان نیست. بعضی از افراد از لکنت زبان، بعضی از صدای گرفته و تودماغی، بعضی از تندگویی و بعضی از کند تلفظ کردن رنج می برند. عده ای هم هستند که صدای رسا و گیرایی دارند، تلفظ کلمات را بطور صحیحی انجام می دهند. اما در هر صورت، همه به نحو یکسانی در کلاس سهیم هستند. یک فرد که صدای خوبی ندارد، یا موقع خواندن دچار مشکل می شود، نباید محکوم به سکوت شود، و معلم نباید در این مورد تبعیض قائل شود.

اگر صدای یک فرد دلنشین و زیباست، نحوه تلفظ کسی که کلمات را می جود و تندتند بیان می کند، نیاز به اصلاح دارد. معلم علاوه بر تشویق شاگردان در مورد تلفظ صحیح و فن بیان، باید از مسخره شدن شاگردان مشکل دار توسط سایرین جلوگیری کند.

※ ضعف بینایی: این ضعف عموماً بین افراد شایع است و گاه به علت بی تفاوتی والدین، بسیاری اوقات ناراحتی هایی مانند تنبلی چشم، ضعف دوربینی، نزدیک بینی، آستیگماتیسم، انحراف چشم و... را باعث می شود. اما یک معلم باید با تیزبینی افراد مشکل دار را تشخیص داده و موارد لازم را به خانواده ها هشدار دهد.

※ مشکل شنوایی: این نوع ضعف معمولاً دیرتر از ضعف چشم احساس می شود. غالباً فردی که مشکل شنوایی دارد، تصور می کند اطرافیان آرام صحبت می کنند. این عامل به خاطر خجالتی که شاگرد از معلم دارد، به راحتی بیان نمی شود. و به آسانی قابل تشخیص نیست. ولی می توان با دقت در املا نویسی و محاوره با او به این مشکل پی برد و مراتب درمان را پی گیری کرد.

※ تفاوت در قوای جسمانی: در یک کلاس همواره افراد بلند قد و قوی بنیه احساس قدرت می کنند. آنها همکلاسی های کوتاه قد و ضعیف خود را تحقیر می کنند و به زور در هر کجا که دوست دارند می نشینند. به این ترتیب دانش آموزانی که جثه ضعیفی دارند و نمی توانند با آنها مقابله کنند، به آخر کلاس رانده می شوند. معلم در این مورد باید برخورد منطقی و صحیحی داشته باشد. اول باید به همه اطمینان بدهد که ردیف اول و آخر کلاس در صورتی که آنها دانش آموزان ساعی و خوبی باشند، تفاوتی با هم ندارند. و بعد باید آنها را با ردیف کردن و نشان دادن تفاوت های قدشان برای جایگزین شدن در جای خود متقاعد کند. البته در صورتی که یک فرد بلند و یک فرد کوتاه قد دوست باشند، جدا کردن آنها تاثیر عاطفی بدی، روی آنها می گذارد.

\*چپ دست بودن: موضوعی که متأسفانه چندان اهمیت به آن داده نشده است، چپ دست بودن عده ای از افراد است. تمام امکانات موجود در کشورها برای افراد راست دست تدارک دیده شده است. در یک کلاس درس، معلم باید تعداد چپ دست ها را شناسایی کرده و صندلی مناسب برای این افراد سفارش دهد تا آنها نیز با مشکل مواجه نشوند

علاوه بر ویژگی هایی که بیان شد. هرکدام از پایه های تحصیلی مقطع ابتدایی دارای ویژگی های خاص خود می باشند و معلم با توجه به این ویژگی های خاص، مسئولیت های ویژه ای کسب می کند. کودک در ابتدای دوره به شدت وابسته به خانه و پدر و مادر است اما در اواخر اگر گروهی او را نپذیرند دچار اختلال عاطفی می شود.

هرچند آموزش رسمی فرزندان توسط افراد متخصص و در محیط های رسمی صورت می پذیرد، ولی همین متخصصین برای نیل به اهداف آموزشی و پرورشی، نیاز به کمک خانواده ای دارند که با شیوه های ارتباطی موثر آشنا بوده و به سبب زمان زیادی که با فرزندان سپری می کنند، بهترین راهنما و مشاور برای آنان باشند. امروزه مجبور کردن فرزندان برای عمل نمودن کلیشه ای به شیوه های والدین خود، جایگاه تربیتی ندارد. بلکه خانواده ی موفق باید با ایجاد شیوه ی صحیح ارتباطی، زمینه ای ایجاد نماید تا فرد با بررسی شرایط موجود و با در نظر گرفتن استعداد و علاقه ی شخصی خود، بهترین مسیر تحصیلی، شغلی، ورزشی و ... را انتخاب نماید. چون آنان استعداد و رغبت های مختص خود را دارند و برای زمانی غیر از زمان ما تربیت می شوند

مهمترین نیازهای عاطفی کودکان در خانواده و مدرسه

اهمیت توجه به نیازهای عاطفی کودکان

کودکانی که به تامین نیازهای عاطفی آنها توجه شده باشد:

با الگوپذیری از والدین، مهارت های عاطفی را به خوبی یاد گرفته اند.

سلامت روانی بالاتری دارند و با احتمال بسیار کمتری دچار مشکلات روحی می شوند.

روابط اجتماعی موفق تری ایجاد می کنند.

استرس، اضطراب و حس ناامنی کمتری دارند بنابراین زندگی شجاعانه تری را تجربه می کنند.

از قدرت تصمیم گیری و اقدام به حد کافی بهره مند می شوند.

مشکلات تحصیلی کمتری دارند.

اعتماد به نفس و عزت نفس بالاتری را تجربه می کنند.

استقلال فکری و رفتاری بیشتری دارند

اهمیت پرورش نیازهای عاطفی کودکان توسط معلم:

بدون شک ایجاد رابطه مثبت معلم و دانش آموز برای رفع نیازهای عاطفی کودکان ضروری است. این رابطه به ایجاد اعتماد و احترام متقابل بین کودکان و معلمان کمک می کند. رابطه مثبت بین معلمان و دانش آموزان راه را برای ارتباط موثر هموار می کند و کودکان را قادر می سازد تا احساسات و نگرانی های خود را به اشتراک بگذارند. معلمان می توانند به کودکان مهارت های مورد نیاز را ارائه دهند تا به آن ها کمک کنند در فرآیند یادگیری مشارکت داشته باشند. وقتی کودکان وظایف خود و انتظارات دیگران را بدانند، احتمال بروز اختلالات رفتاری در آن ها کمتر است.

توجه به نیازهای عاطفی کودکان در مدرسه به معنای از بین بردن موانع جدی در تعامل آموزشی و کمک به آن ها برای توسعه مهارت های عاطفی لازم برای موفقیت در داخل و خارج از کلاس درس و مدرسه است. معلمان نیز مانند والدین باید فضایی امن و مراقبتی برای کودکان ایجاد کنند که بتوانند در آن احساسات خود را به شیوه ای سالم ابراز کنند. به عبارت دیگر، معلمان باید کودکان را به مکانیسم های حمایتی و راهنمایی مجهز کنند تا بتوانند با احساسات خود کنار بیایند و آن ها را به شیوه مثبت تنظیم کنند.

معلمان باید توانایی تشخیص نشانه های اختلالات روحی، جسمی و رفتاری کودکان را داشته باشند و به موقع این مشکلات را به والدین، مسئولان مربوطه در مدرسه متخصصان و روانشناسان مناسب ارجاع دهند. معلمان همچنین باید با تحسین و تشویق، به کودکان احساس امنیت برای ابراز احساسات و نظراتشان را بدهند. به نظر می رسد معلمان زن در این امور موفق تر از مردان باشند.

روش های رفع نیازهای عاطفی کودکان در مدرسه

معلمان می توانند مجموعه ای از استراتژی ها را برای کمک به رشد جسمی و عاطفی کودکان اتخاذ کنند:

به خاطر سپردن نام کودکان

آشنایی با علایق کودکان

اطلاع از سبک یادگیری و استعداد های هر کودک

اجازه دادن به دانش آموزان برای بیان نظرات

ایجاد فضایی امن برای گفتگو در کلاس

تشویق دانش آموزان به همکاری و کمک به یکدیگر

احترام گذاشتن به تنوع در ظاهر و شخصیت کودکان

القای حس ارزشمندی به کودکان

ارزش گذاری بر تغییرات مثبت و پیشرفت کودکان

الگوسازی رفتار مثبت برای کودکان

تشویق به توسعه روابط دوستی و صمیمیت

فراهم کردن فرصت های متعدد برای بازی و یادگیری فراهم

توجه به نیازهای عاطفی کودک قطعاً برای رشد و سلامت جسمی و ذهنی آن ها سالم بسیار مهم است.

برای ایجاد فضای امن مدرسه، رابطه معلم و والدین نیز مهم است تا معلمان از همان ابتدا شخصیت دانش آموزان، نیازها و خواسته های منحصر به فرد آن ها را در نظر بگیرند.

یافته ها:

مظفری نژاد، زینب و همکاران، (۱۴۰۱)؛ رابطه جنسیت معلم و میان یادگیری دانش آموزان در مقطع ابتدایی، پنجمین همایش بین المللی روانشناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی.

این مقاله با عنوان رابطه جنسیت معلم و میزان یادگیری دانش آموزان در مقطع ابتدایی با هدف بررسی رابطه میان نقش جنسیتی معلمان در پایه اول ابتدایی بر میزان علاقه و یادگیری دانش آموزان است. روش پژوهش به صورت توصیفی به همراه مصاحبه و نظرسنجی از دانش آموزان چند مدرسه در سطح شهر ایلام می باشد جامعه آماری دانش آموزان پایه اول ابتدایی و معلمان مرد و زن کلاس اول به روش تصادفی انتخاب شدند. نتیجه نشان می دهد که میان نقش جنسیتی معلمان زن پایه اول و علاقه به یادگیری همه دانش آموزان به خصوص پسر رابطه معناداری وجود دارد. در واقع به خاطر روحیه لطیف کودکان و ارتباط تنگاتنگ آنها قبل از ورود به مدرسه با مادر و الگوبرداری از او معلمان پایه اول باید خانم باشد. با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت که برای دانش آموزان ابتدایی به لحاظ خصوصیات و ویژگی های این گروه سنی معلمان خانم مناسب تر و در انگیزش و یادگیری آنها تاثیر مهمی دارند. راعی، فاطمه، (۱۳۸۹)؛ اهمیت معلمان زن در عرصه آموزش ریاضیات، فصلنامه پویا در آموزش علوم پایه دوره ۵ شماره ۱۴. این پژوهش به بیان اهمیت نقش زنان به عنوان معلم ریاضی می پردازد. مسئله را از بعدهای توسعه حرفه ای و تقویت پایه های علمی معلمان ریاضی زن، تغییر نگرش معلمان زن نسبت به آموزش ریاضی به دختران و مهارت معلمی زنان در ایجاد انگیزه و کنترل اضطراب دانش آموزان بررسی می نماید. قدرتی، همکاران، (۱۴۰۲)؛ بازسازی معنایی درک معلمان زن شاغل از شغلشان در شهر بابل، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. هدف پژوهش حاضر بازسازی درک معنایی زنان معلم از شغل خود در شهر بابل است. بدین منظور پژوهش با راهبرد کیفی نظریه زمینه ای انجام گرفت و در نمونه گیری هدفمند با ۲۰ نفر مصاحبه های نیمه ساختار یافته انجام گرفت و به استخراج ۸ مقوله منجر شد که عبارتند از علاقمندی و اشتیاق زیاد به آموزش، حفظ کرامت انسانی، رضایتمندی، رعایت نکردن حق و حقوق، بازخورد مناسب، مشکلات ساختاری، ارزشمندی، نظام آموزشی

بسته و تغییر نیافتنی آموزشی. به رغم تصور رایج، معلمان شغلشان را قابل احترام و با ارزش اجتماعی زیاد می دانستند و در عین حال از مسائل مالی و کمبود امکانات و تجهیزات ناراضی بودند. پس لازم است مدیران آموزش و پرورش برنامه هایی برای ارتقا و بهبود انگیزه شغلی و احساس کارآمدی اجرا کنند. فریسن، هدرال و همکاران، (۲۰۱۹)؛ تفاوت سبک تدریس بین علوم مردانه و زنانه در مدارس قطر، تاثیر احتمالی بر دانش آموزان دستاورد، دانشگاه قطر. پژوهشگر با مطالعه و بررسی در مدارس دولتی قطر با تفکیک جنسیتی، به این نتیجه رسیده است که دانش آموزان دختر در آزمون های علمی بین المللی مانند TIMMS, PISA از دانش آموزان پسر بهتر عمل می کنند. با این حال، برخلاف روند بین المللی برای کشور های دارای عملکرد برتر، دانشجویان دختر نسبت به مردان علاقه کمتری به مشاغل مبتنی بر علم دارند. یکی از عوامل احتمالی که ممکن است به این اختلاف کمک کند، تفاوت در سبک های تدریس بین معلمان زن و مرد است. پژوهشگر در این مقاله ۱۰۵ مشاهده کلاسی، ۳۹ مرد و ۶۶ زن از ۵۰ مدرسه دولتی مختلف انتخاب شده، به عنوان بخشی از دپروژه تحقیقاتی مستقل برای مطالعه عوامل انگیزشی و نگرش نسبت به علم و علاقه به علم در بین دانش آموزان قطر ی تمرکز کرده است، همچنین ۴۰ مصاحبه نیمه ساختار یافته از دانشجویان و معلمان و مدیران انجام داده است. مشاهدات نشان می دهد که فرهنگ معلمان زن در طول کلاس های تئوری تحویل بهتری ارائه کردند در حالی که معلمان مرد عملکرد بهتری را در کلاس های آزمایشگاهی نشان دادند. لین، جاگنوم و میر، جاناتان، (۲۰۱۷)؛ اثرات پایدار تطابق جنسیت معلم و دانش آموز، [nber.org/paperw24128](http://nber.org/paperw24128). نویسنده بیان می کند که از داده های مدارس راهنمایی در سئول، جایی که دانش آموزان و معلمان به طور تصادفی در کلاس های درس اختصاص پیدا می کنند، به این نتیجه رسیدیم که دانش آموزان دختر ی که توسط معلم زن تدریس می شوند در آزمون های استاندارد در مقایسه با دانش آموزان پسر، امتیاز بیشتری کسب می کنند. جیسون وری، ل همکاران، (۲۰۱۷)؛ جنسیت معلم، جنسیت دانش آموز و موفقیت مدرسه ابتدایی، شواهدی از ده کشور آفریقایی فرانسوی زبان، دانشگاه کره. نویسنده با استفاده از مجموعه داده فوق العاده بیش از ۱۸۰۰ مدرسه ابتدایی و نزدیک به ۴۰۰۰۰ دانش آموز از ده کشور آفریقایی، به مطالعه رابطه بین جنسیت معلم و دانش آموز و پیشرفت دانش آموز در ریاضیات پرداخته است. بررسی های ایشان نشان می دهد که تدریس توسط معلم زن باعث افزایش پیشرفت تحصیلی می شود. همچنین یافته ها نشان می دهد که هم عملکرد و هم قدردانی از موضوع زمانی افزایش می یابد که تدریس توسط یک معلم هم جنس اتفاق بیافتد. مرزبانی، فریبا و بستان، نبی، (۱۳۹۵)؛ مقایسه تاب آوری معلمان زن با ویژگی های جمعیت شناختی، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم. یکی از کلیدی ترین موضوعات در روانشناسی مثبت نگر، تاب آوری است که به عنوان بازگشت مستمر و ارتقای اثربخش نقاط قوت در مواجهه با شرایط دشوار می تواند به شدت بر انگیزه تدریس، سلامت و امنیت روانی معلمان تاثیرگذار باشد. به همین علت پژوهشگر به مقایسه تاب آوری معلمان زن با ویژگی های جمعیت شناختی پرداخته است. پژوهش ایشان توصیفی و از نوع علی- مقایسه ای است، جامعه آماری شامل کلیه معلمان زن مقطع متوسطه نواحی سه گانه شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بوده که ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه به صورت نمونه گیری خوشه ای مورد بررسی قرار گرفته اند. برای گردآوری داده ها از فرم مشخصات جمعیت شناختی و پرسشنامه تاب آوری کانر و دیویدسون استفاده شده

است. داده های دریافتی بر اساس تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) و با استفاده از نرم افزار-SPSS ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تحلیل داده های پژوهش نشان داد که بین میانگین تاب آوری معلمان زن با ویژگیهای جمعیت شناختی، تفاوت وجود دارد، اما این تفاوت میانگین معنادار نمی باشد. با توجه به نتایج بدست آمده پژوهشگر پیشنهاد می کند آموزش و شیوه های افزایش تاب آوری در تدوین برنامه های آموزش ضمن خدمت معلمان و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مد نظر قرار گیرد و همچنین در جذب و پذیرش داوطلبان مشاغل معلمی، تاب آوری آنان به صورت ویژه مورد توجه واقع گردد. فراهانی، علیرضا و همکاران، (۱۳۹۱)؛ بررسی دیدگاه مدرسان، کارشناسان و مدیران مدارس درباره استفاده از معلمان زن در آموزش به دانش آموزان پایه های اول تا سوم مدارس ابتدایی پسرانه، مجله مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان. این پژوهش به ارزیابی آموزش معلمان زن به دانش آموزان پایه های اول تا سوم مدارس ابتدایی پسرانه اقدام نموده است. اجرای این پژوهش از روش توصیفی - پیمایشی و جامعه آماری شامل مدیران مدارس ابتدایی، کارشناسان و مدرسان مراکز تربیت معلم شهر قم در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ بوده است. برای انتخاب نمونه مدیران، از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم و برای تعیین نمونه کارشناسان و مدرسان از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده است. در این زمینه دیدگاه های ۱۶۲ مدیر و ۲۰ کارشناس و مدرس مراکز تربیت معلم، دارای سوابق درخشان آموزشی، تجزیه و تحلیل شد. روایی سوال های پرسشنامه و مصاحبه توسط ۷ نفر از استادان علوم تربیتی و ۴ نفر از دانشجویان دکتری این گروه تایید شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کراباخ ۰/۸۵ برآورد شد. نتایج حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم افزار آماری SPSS، در دو سطح توصیفی و استنباطی، و مصاحبه با استفاده از روش مقوله بندی تجزیه و تحلیل شد. یافته ها نشان می دهد، به دلیل فاصله گرفتن دانش آموزان سال اول از کانون گرم خانواده (به عنوان اولین تجربه)، جهت برآورده کردن نیازهای عاطفی و پیشرفت تحصیلی ایشان، استفاده از معلمان زن می تواند برای تدریس به پسران بسیار اثر باشد. درمورد دانش آموزان پایه دوم در حد امکان همانند پایه اول از معلمان زن استفاده شود، اما درباره دانش آموزان پایه سوم به دلیل نقش الگویابی جنسیتی دانش آموزان تا حد امکان از معلمان زن کمتر مورد استفاده شود.

#### نتیجه گیری:

ما اغلب اوقات بر رشد فکری و جسمی فرزندانمان توجه می کنیم، در حالی که رشد عاطفی کودکان برای آنکه در بزرگسالی از سلامت روانی برخوردار باشند، به همان اندازه مهم است. کودکان برای اینکه احساس شادی و امنیت کنند به ارتباط عاطفی مناسب با اطرافیان نیاز دارند. رفع نیازهای عاطفی کودکان در زمان خود، سبب یادگیری مهارت های زندگی خواهد شد.

در صورت عدم تامین این نیازها، کودکان ممکن است با مشکلات متعددی مانند اضطراب، استرس، حس بی ارزشی و افسردگی روبرو شوند. علاوه بر این، کودکان ممکن است در تنظیم احساسات خود دچار مشکل شوند و این مسئله منجر به مشکلات روانی و رفتاری دیگری مانند گوشه گیری، تکانشگری کودکان و پرخاشگری کودکان شود.

از دیگر اثرات عدم تامین نیازهای عاطفی در دوره کودکی می توان دل بستگی ناایمن، کاهش عزت نفس و عدم اعتماد را نام برد. به این ترتیب، کودکان نیاز به مجموعه ای از نیازهای عاطفی دارند که باید توسط اطرافیان مثل والدین، معلمان و بقیه افراد خانواده مورد توجه قرار گیرد تا از نظر جسمی و روانی به بزرگسالانی سالم تبدیل شوند هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر آموزش معلمان زن در یادگیری دانش آموزان مقطع ابتدایی بود. نتایج به دست آمده نشان داد که معلمان زن در ایجاد علاقه برای یادگیری و ماندن در مدرسه عملکرد بهتری از معلمان مرد می توانند داشته باشند. نتایج حاصل از یافته های این پژوهش با نتایج به دست آمده از سوی برخی پژوهشها که معتقدند میان نقش جنسیتی معلمان زن پایه اول ابتدایی و علاقه به یادگیری همه دانش آموزان به خصوص پسر، رابطه معناداری وجود دارد، کاملاً منطبق است. و این در واقع به علت روحیه لطیف کودکان و ارتباط تنگاتنگ آنها قبل از ورود به مدرسه با مادر و الگوبرداری از او می باشد. در نتیجه معلمان زن در این پایه بهتر عمل می کنند (مظفری نژاد، ۱۴۰۱). زنانه شدن آموزش یکی از ویژگی هایی بود که به ایتالیا اجازه داد بهتر از اسپانیا عمل کنند و پیامدهای مهمی برای انتشار سواد و همچنین رشد و توسعه بلند مدت اقتصادی داشت (کائر کاوالی، ۲۰۲۱). همچنین دانش آموزان دختر در سنول کره جنوبی که توسط معلم زن به جای مرد تدریس می شوند در آزمون های استاندارد در مقایسه با پسران امتیاز بیشتری کسب کرده اند (جاگنوم، ۲۰۱۷). در برخی از پژوهش های دیگر، فقدان حضور زنان در علوم مهندسی و ریاضیات را سبب کمبود الگوها نگرش ها برای دختران جهت ورود به این رشته ها می دانند و افزایش مشارکت آنها را دشوار می کنند حضور معلمان زن می تواند نمرات دختران را حتی تا کلاس دوازدهم نسبت به پسران افزایش دهد (لرلی و همکاران، ۲۰۱۷). نتایج این پژوهش با یافته های (جیسون وری، ۲۰۱۷) متفاوت است او می نویسد این باور عمومی وجود دارد که دختران در برابر معلمان زن و پسران در برابر معلمان مرد عملکرد بهتری دارند و از آن با عنوان اثر معلم همجنس یاد می کند چرا که معتقد است معلمان همجنس می توانند به عنوان الگو عمل کنند و انگیزه و یادگیری دانش آموز را افزایش دهند. در پژوهش دیگر مسائل زیادی مثل مناطق جغرافیایی، در دسترس بودن منابع آموزشی، فناوری و آزمایشگاه را سبب کاهش یا افزایش تاثیر جنسیت در حرفه معلمی معرفی می کند. به طور کلی به علت ویژگی های مشترک عمومی سبک های تدریس زنان معمولاً با پرسش های فعال بحث انگیز و تعامل بیشتر با دانش آموزان همراه است و سبک تدریس مردان بیشتر با سخنرانی و تکالیف کمتر و عملکرد بهتر در کلاس های آزمایشگاهی دیده می شود (احمد العمادی، ۲۰۱۹). در زمینه آموزش ریاضیات نیز چند کلیشه های جنسیتی موجود زنان را در ریاضیات ناتوان جلوه می دهد ولی پایه و اساسی ندارد. معلمان ریاضی زن اگر پایه قوی در رشته ریاضی و نگرش مثبتی نسبت به یادگیری ریاضی توسط دانش آموزان دختر داشته باشند با توجه به اینکه مهارت برقراری تباط بهتر با دانش آموزان دارند می توانند به راحتی در آنها ایجاد انگیزه کرده اضطراب را دور نمایند لذا می توانند موفقیت های بیشتری در حرفه خود کسب کنند (راعی، ۱۳۹۸). البته بین جنسیت و رشد معلمان حرفه ای که بیش از ۱۰ سال سابقه دارند رابطه معناداری وجود دارد و این رشد حرفه ای برای معلمان مردی که بیش از ۱۰ سال سابقه دارند کمتر است (سیحیرینی، ۲۰۲۱). بنابراین به نظر می رسد با توجه به این یافته ها بهتر است در مقطع ابتدایی پسران و دختران، از معلمان زن و در پایه اول از معلمان زنی که بیش از ۱۰ سال تجربه دارند استفاده شود. تمام گروه های مختلف معلمان زن با سوابق کاری

متفاوت با استفاده از تاب آوری قادر بودند خود را با شرایط دشوار تدریس سازگار نمایند و تقریباً با افزایش سابقه کاری ر میزان تاب آوری آنها نیز افزوده می شود که در نتیجه احساس قدرت و آرامش بیشتری را برای آنها در پی خواهد داشت به دیگر افراد و نسل های آتی تسری خواهد یافت (مرزبانی ۱۳۹۵). ادل فابر و الین مازلیش نویسندگان کتاب «چگونه با کودکان صحبت کنیم تا یاد بگیرند» هر دو نویسنده و متخصص ارتباط کودک و والدین هستند که مهارت های ارتباطی را در گفتگو با استاد خود هیم جینوت، روانشناس کودک آموختند. آنها سالیان طولانی در دبیرستان ها و دانشگاه ها مشغول تدریس بودند و کتاب های زیادی در این زمینه به نگارش درآوردند که به ۱۲ زبان دنیا ترجمه شده است. آنها با ناراحتی از تنبیه و توبیخ کودکان به دنبال ابزارهایی بودند که روش های جایگزینی را پیش پای آموزگاران بگذارند. به همین جهت در کتاب خود شخصیتی با نام لیز لندر که آموزگار زن جوانی است را خلق می کنند تا تجارب خود و و آموزگاران دیگر را در مدرسه ابتدایی به نمایش بگذارد. شاید بتوان نتیجه گرفت که نویسنده با خلق این شخصیت اعتراف می کند که زنان برای تدریس در مقطع ابتدایی مناسب ترند.

#### فهرست منابع:

۱. پاکپور، یونس، (۱۳۹۰)؛ زمینه های تکنولوژی آموزشی چشم انداز، نظریه و عمل، نشر دیدار، تهران .
۲. جیسون وری، لی، و همکاران، (۲۰۱۷)؛ جنسیت معلم، جنسیت دانش آموز و موفقیت مدرسه ابتدایی، شواهدی از ده کشور آفریقایی فرانسوی زبان، دانشگاه کره .
۳. راعی، فاطمه، (۱۳۸۹)؛ اهمیت معلمان زن در عرصه آموزش ریاضیات ، فصلنامه پویا در آموزش علوم پایه دوره ۵ شماره ۱۴.
۴. سیف، علی اکبر، (۱۳۸۶)؛ روانشناسی پرورشی نوین، نشر دوران، تهران.
۵. فراهانی، علیرضا و همکاران، (۱۳۹۱)؛ بررسی دیدگاه مدرسان، کارشناسان و مدیران مدارس درباره استفاده از معلمان زن در آموزش به دانش آموزان پایه های اول تا سوم مدارس ابتدایی پسرانه، مجله مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان .
۶. فریسن، هدرال و همکاران، (۲۰۱۹)؛ تفاوت سبک تدریس بین علوم مردانه و زنانه در مدارس قطر، تاثیر احتمالی بر دانش آموزان دستاورد، دانشگاه قطر.
۷. قدرتی، حسین و همکاران، (۱۴۰۲)؛ بازسازی معنایی درک معلمان زن شاغل از شغلشان در شهر بابل، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد.
۸. لین، جاگنوم و میر، جاناتان، (۲۰۱۷)؛ اثرات پایدار تطابق جنسیت معلم و دانش آموز، [nber.org/paperw24128](https://nber.org/paperw24128).
۹. مرزبانی، فریبا و بستان نبی، (۱۳۹۵)؛ مقایسه تابآوری معلمان زن با ویژگیهای جمعیت شناختی، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم .
۱۰. مظفری نژاد، زینب و همکاران، (۱۴۰۱)؛ رابطه جنسیت معلم و میان یادگیری دانش آموزان در مقطع ابتدایی، پنجمین همایش بین المللی روانشناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی.
۱۱. هاشم پور، ولی و همکاران، (۱۳۹۷)؛ روش ها و فنون تدریس، نشر هاجر، قم.



فصلنامه یافته های نوین در علوم انسانی، علوم اجتماعی و روانشناسی شماره ۴- دوره ۱- صفحات ۳۴۲-۳۵۵

*Journal of New Findings in Social Sciences, Educational Sciences and Psychology*

ISSN 3060-611X